

روایت‌هایی از میلاد پربرکت حضرت زهرا (س)

# مبارک‌ترین میلاد



مریم زاهدی

خبرنگار چار دیواری

فاطمه است، صدیقه است، مبارکه است، طاهره، زکیه، مرضیه، محدثه و در نهایت زهراست. بانوی آب‌ها و آیین‌ها. تنها فرزند رسول خدا که خداوند ادامه نسل را در ذریه او قرار داد و به برکت و جود پاکش، دنیا و مافیها برقرار شد. فاطمه‌ای که خداوند در حدیث شریف کسای فرماید: «وَعَزَّتِي وَجَلَّالِي أَنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةٍ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً وَلَا فَلَكَائِدَ وَرُولا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِيسَ رِي الْأَفَى مَحَبَّةٍ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكَسَاءِ»

«به عزت و جلالم سوگند که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر برای خاطر شما و محبت و دوستی این پنج تنی که در زیر کساء هستند.»

و وقتی جبرئیل از خداوند می‌خواهد تا اصحاب کساء را به نام معرفی کند، خداوند در پاسخ او اصحاب کساء را با فاطمه (س) و نسبتش با اصحاب کساء معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هُم فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا» آنها فاطمه است و پدرش، فاطمه و شوهرش، فاطمه و پسرانش.

## زبان و قلمی قاصر

زهرا جان! وقتی می‌خواهم از عظمت و شأن و منزلت شما بنویسم قلمم قاصر است و زبانم الکن. جایگاه آسمانی شما را فقط خدا می‌داند و رسولش که اگر علی (ع) نبود، هیچ‌کس در شأن و منزلت همسری شما پیدا نمی‌شد و آفرینش در حسرت ذریه پاک شما می‌ماند. بانوی من چگونه از شما بگویم یا بنویسم وقتی بانویی همچون مریم (س) در برابر شأن و منزلت شما جایگاهی ندارد و افتخار بانوان بهشتی حضور در محضر و خدمت به حضرت شماست. بانوی من چگونه می‌توان مقام سرور بانوان دو عالم را توصیف کرد، وقتی که در کنار خادمه‌اش همچون یک خادم، آسیاب می‌چرخاند، گندم آرد می‌کند و نان می‌پزد و نه در جایگاه بانوی بانوان عالم و نه حتی در جایگاه خانم خانه که به عنوان یک همراه، کارهای خانه را با خادمه‌اش تقسیم می‌کند که او هم همچون بانویش بتواند در مسیر رشد و تعالی روحی و معنوی قرار بگیرد و بشود همان چیزی که در مکتب خانه علی (ع) و فاطمه (س) انتظارش می‌رود.

## اسامی و القاب حضرت فاطمه (س)

چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟ این سؤال از امام حسن عسکری (ع) شده بود، فرمودند: «چون روزی سه بار برای امیرالمومنین می‌درخشید؛ در اول روز مثل آفتاب، بعد از ظهر مثل ماه و غروب مثل ستاره.» حضرت فاطمه (س) ۹ اسم دارد که از نام‌های خداوند گرفته شده است که عبارتند از فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، مرضیه، محدثه، زهرا. ۱۴ لقب برای حضرت فاطمه جمع‌آوری شده، فاطمه یعنی کسی که از هر شری جدا شده باشد. اگر امیرالمومنین نبود تا با فاطمه ازدواج کند، برای فاطمه همسری بر روی زمین پیدا نمی‌شد. در روایت آمده که کنیه‌های حضرت فاطمه عبارتند از: ام‌حسن، ام‌حسین، ام‌محسن، ام‌الائم و ام‌ایبها. اسامی حضرت زهرا عبارتند از: فاطمه البتول، الحصان، الحره، السیده، العذرا، الزهرا، الجوراء، المبارکه، الطاهره، الزکیه، الراضیه، المحدثه، مریم، صدیقه، الکبری، در آسمان‌ها نیز نامش «نور آسمانی بسیار مهربان» بود.

## مابه تو کوثر عطا کردیم

گرمای وجود مادر گرچه زود از زندگی‌ات پر کشید اما دستان کوچک شما برای پدر، مادری می‌کرد! آنچنان که رسول مهربانی‌ها و پدر امت شما را «ام‌ایبها» یعنی مادر پدرش می‌خواند! اما فقط مادر پدر نبود و مادر امامت بودی و مادر امت حتی! همچنان اگرچه خدا به محمد (ص) پسری نداد و تنها فرزند پسرش، ابراهیم در همان سنین کودکی از دنیا رفت و مشرکان و ابولهب‌ها او را ابتر خواندند و زبان به طعن و تمسخرش گشودند، خدا شما را به رسولش که نه به دنیا هدیه داد تا محمد (ص) نه فقط ابتر نباشد، بلکه تا دنیا دنیااست؛ نام نامی او از مأذنه‌های عاشقی بلند شود و دست‌کم روزی سه بار نوای زیبای «اشهد ان محمد رسول الله...» در گوش جهان و جهانیان بیجید. نوایی که می‌خواهد تکرار کند «ما به تو کوثر عطا کردیم». کوثری که باید به شکرانه‌اش بر خداوند درود و تهیت بفرستی و خداوند خواست تا طعنه‌زنندگان به تو خودشان ابتر باشند.

## مادری نسلی پاک و آسمانی

کرد. جایی از دنیا باقی نماند، مگر این‌که نور آن حضرت آنجا را روشن کرده بود. ۱۰ حوریه بهشتی وارد خانه خدیجه (س) شدند که در دست هر کدام تشتی بهشتی و ظرفی برای آب ریختن بود که پر بود از آب کوثر. آن چهار زن فاطمه (س) را گرفتند و با آب کوثر شستند. سپس دو پارچه بسیار سفید که از شیر سفیدتر و از مشک عنبر خوشبوتر بود، آوردند. با یکی از آنها تن و با دیگری سر او را پوشاندند. حورالعین و اهل آسمان به خاطر این میلاد به یکدیگر تبریک می‌گفتند، ناگهان نوری در آسمان درخشید که فرشتگان قبل از آن ندیده بودند و زنان بهشتی به خدیجه (س) گفتند: «دختر پاک، وارسته و مبارکت را بگیر که او نسلش برای مبارک خواهند بود.»

سراغ زنان قریش و بنی‌هاشم رفت و گفت: «مثل همه زنان که هنگام زایمان از یکدیگر مراقبت و پرستاری می‌کنند، مرا هم پرستاری کنید.» آنها پیغام دادند چون حرف ما را گوش ندادی و با محمد، یتیم ابوطالب در حالی که فقیر بود ازدواج کردی، نمی‌توانیم از تو پرستاری کنیم. خدیجه با شنیدن این حرف‌ها ناراحت شد. در همین حال چهار زن سبزه‌رو، و قبل‌بلند به دیدنش آمدند. خدیجه (س) ترسید. یکی از آنان گفت: «نترس ما فرستادگان خدا و خواهران تو هستیم؛ ساره، آسیه، مریم دختر عمران و خواهر حضرت موسی (ع). خدا ما را فرستاده تا مراقب تو باشیم.» وقتی فاطمه (س) به پاکیزگی متولد شد. نوری از او متصاعد شد که تمام خانه‌های مکه را روشن

وقتی حضرت خدیجه (س) با رسول خدا (ص) ازدواج کرد، زنان مکه او را ترک کردند. هیچ‌یک از زنان مکه به او سر نمی‌زدند و حتی به او سلام هم نمی‌دادند. خدیجه (س) از تنهایی خود ناراحت شد و از این ناراحتی هراسان شده بود. او وقتی به فاطمه (س) باردار شد، فاطمه (س) از داخل رحم با مادرش حرف می‌زد و به او آرامش می‌داد. خدیجه (س) این مطلب را از پیامبر (ص) پنهان کرد. روزی رسول خدا (ص) متوجه شد و به خدیجه (س) فرمود: جبرئیل من گفته، آنچه در رحم داری، دختر است و فرزندانش هم پاک و پاکدامن‌اند. مدت زیادی نگذشته بود که حضرت خدیجه (س)